

بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی در افزایش خلاقیت کودکان دبستان

1 محمود اعظمی
2 علیرضا جعفری
3 ناهید کریمی

تاریخ دریافت: 1391/5/11 تاریخ پذیرش: 1391/10/5

چکیده

زمینه: خلاقیت در بالاترین سطح فعالیت‌های شناختی انسان قرار دارد. خلاقیت پتانسیل و توانایی است که در فکر، اندیشه، قلم، رفتار و عمل انسان جلوه پیدا می‌کند و مستلزم حل کردن مسائلی است. افراد خلاق قبل از آنکه مسائل را حل کنند آنها را می‌آفرینند یا بر پیچیدگی آن می‌افزایند. پس تنها از راه ایجاد این توانایی هاست که می‌توان افراد را برای مقابله با شرایط متغیر زندگی و موقعیت‌های جدیدی که مرتباً با آنها روبرو می‌شوند آماده کرد.

هدف: پژوهش حاضر با هدف «بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی در افزایش خلاقیت کودکان دبستانی» صورت گرفت.

روش: 86 نفر از دانش آموزان دوره ابتدایی دبستان‌های استان زنجان به صورت تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای و تصادفی به عنوان نمونه انتخاب و در دو گروه آزمایش و کنترل قرار گرفتند. ابتدا

1. عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اهر، گروه مشاوره و راهنمایی، زنجان، ایران. (نویسنده مسئول)

mahmoodazami@gmail.com

2. عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اهر، گروه روانشناسی، زنجان، ایران. Persianarj@yahoo.com

3. دانش آموخته روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اهر، گروه روانشناسی، زنجان، ایران.

Karimi.n.Scholar@yahoo.com

آزمون تفکر خلاق تورنس در هر دو گروه اجرا شد و سپس مهارت های زندگی در مدت 20 جلسه (40 ساعت) به گروه آزمایش آموزش داده شد. پس از پایان جلسات آموزشی و سه ماه بعد در هر دو گروه، آزمون تفکر خلاقیت تورنس دوباره اجرا گردید. تجزیه و تحلیل داده های بدست آمده با روش های t مستقل و وابسته و تحلیل واریانس و آزمون تعقیبی «شفه» جهت مقایسه گروه ها انجام شد. یافته ها: تفکر واگرا از کلاس سوم به چهارم و همچنین از کلاس سوم به پنجم، دارای تفاوت معناداری بود ولی بین نمرات تفکر خلاق کودکان کلاس سوم و پنجم تفاوت معناداری ($P < 0/01$) مشاهده نشد.

نتیجه گیری: با آموزش مهارت های زندگی می توان خلاقیت کودکان دبستانی را افزایش داد.

کلید واژه (گان): مهارت های زندگی، خلاقیت، تفکر واگرا، آزمون تورنس.

مقدمه

سرعت و شتاب زندگی و پدید آمدن تحولات شگفت انگیز از ویژگی های عصر حاضر است و هر لحظه اتفاق جدیدی رخ می دهد که همچون حلقه های زنجیر به یکدیگر متصل و از دل زمان خارج می شوند. تولید علم و دانش چنان سرعتی به خود گرفته است که بارانی از اطلاعات بر سر انسان ها در حال فرو ریختن است. شبکه های اینترنتی که ریشه های گسترده فناوری اطلاعات را تشکیل می دهد با سرعتی شگفت انگیز به پیش می روند، هر نقطه ای از کره زمین را تحت سیطره خود در می آورند، هر لحظه مغز یک انسان را به هزاران انسان دیگر مرتبط می کند و بدین وسیله او را در میان سیلاب اطلاعات رها می سازد. اگر تا دو دهه پیش به آدمی می آموختند که چگونه به کسب اطلاعات و گردآوری آن پردازد اکنون در پی آن اند که به انسان بیاموزند چگونه سدی بسازد تا از یورش سهمگین اطلاعات، خود را ایمن سازد و تنها از آن میزان اطلاعات که نیاز واقعی اوست بهره مند شود.

امروزه نوزادان متولد می شوند تا بتوانند آینده را مدیریت کنند و این رسالت سنگینی است که بر عهده ما است تا آنان را برای آن دوران آماده نماییم. دورانی که انسان علاوه بر زندگی

در محیط در حال تغییر، باید بتواند خلاقانه بیاندهد و با ایجاد افکار نو به حل مشکلات بپردازد و با هنرمندی، کشتی زندگی خویش را در این دریای متلاطم به پیش ببرد (میرزاآقایی، 1387). از جمله راه‌های دست‌یابی و رسیدن به این مهم، پرورش و افزایش خلاقیت¹ کودکان است. تورنس² می‌گوید: «ما برای بقا نیازمند آن هستیم که خلاقیت کودکان خود را برانگیزانیم، چرا که در این زمانه و با وجود استرس‌های روانی، اسلحه‌ای جز خلاقیت وجود ندارد که بتوان با آن به جنگ مشکلات رفت (سلیمانیان، 1388؛ به نقل از غلامی توران پشته و کریم زاده، 1390). خلاقیت و تفکر خلاق³ از پیچیده‌ترین و عالی‌ترین جلوه‌های اندیشه انسان است که در بالاترین سطح فعالیت‌های شناختی او قرار دارد و از ارزشمندترین غایت‌های پرورشی و هدف‌های آموزشی به شمار می‌آید (سلیمانیان، 1381).

ساویله⁴ (2006) خلاقیت را حالتی از ذهن می‌داند که طی آن هوش‌های چندگانه به‌طور یکپارچه مشغول فعالیت می‌شوند؛ در چنین حالتی، خلاقیت یک‌فرا توانایی را در فرد به وجود می‌آورد که موجب می‌شود او به یک تمرکز مفید برای نوآوری دست یابد.

گیلفورد⁵ (1987) خلاقیت را بر حسب تفکر واگرا⁶ تعریف می‌کند و عوامل و ویژگی‌های هشت‌گانه آن را سیالی (روانی)⁷، انعطاف‌پذیری (نرمش)⁸، تازگی (اصالت)⁹، گسترش (بسط)¹⁰، ترکیب¹¹، تحلیل¹²، سازمان‌دادن¹³ و پیچیدگی¹⁴ معرفی می‌کند؛ ولی سه عامل

-
1. creativity
 2. torrance
 3. creative thinking
 4. Saville
 5. Guilford
 6. divergent thought
 7. fluency
 8. originality
 9. flexibility
 10. elaboration
 11. synthesizing
 12. analyzing
 13. organizing
 14. complexity

تازگی (اصالت)، سیالی (روانی) و انعطاف پذیری (نرمش) را مهمترین می‌داند. وی بیان می‌کند تفکر واگرا جنبه مهمی از خلاقیت است که با سه ویژگی یاد شده مشخص می‌شود. تازگی به معنای تازه، نو و منحصر به فرد بودن ایده‌ها است. منظور از سیالی، تعداد اندیشه‌هایی است که در یک زمان معین تولید می‌گردد؛ و انعطاف پذیری، به معنای تعداد طبقات متفاوت ایده‌ها است (به نقل از سیف، 1386).

تورنس نیز در مجله بازنگری روانشناسی پرورشی¹ سه تعریف پژوهشی، هنری و وابسته به بقا، برای خلاقیت بیان نموده است: در تعریف پژوهشی خلاقیت و تفکر خلاق را فرآیند حس کردن مشکلات، مسائل، شکاف در اطلاعات، عناصر گم شده، چیزهای ناجور؛ حدس زدن و فرضیه سازی درباره نواقص و ارزیابی و آزمودن حدس‌ها و فرضیه‌ها؛ تجدید نظر و دوباره آزمودن آنها؛ و انتقال نتایج بیان می‌کند. وی در تعریف هنری خود از خلاقیت نیز آن را مانند "خواستن دانستن"، "عمیق تر حفر کردن"، "دوباره نگاه کردن".... و "دست دادن به فردا" می‌داند. همچنین در تعریف وابسته به بقا بیان می‌کند که خلاقیت، کنارآمدن فرد با موقعیت‌های دشوار است (1998؛ به نقل از سیف، 1386).

امروزه هدف عمده تمامی نهادهای آموزشی و پرورشی ایجاد توانایی حل مسأله و خلاقیت در دانش آموزان است (رضایی و همکاران، 1387) چرا که خلاقیت مستلزم حل کردن مسائلی است، و افراد خلاق قبل از آنکه مسائل را حل کنند آنها را می‌آفرینند یا بر پیچیدگی آن می‌افزایند (ویتینگ و ویلیامز، 1984؛ به نقل از شکرکن و همکاران، 1381)؛ پس تنها از راه ایجاد این توانایی‌ها است که می‌توان افراد را برای مقابله با شرایط متغیر زندگی و موقعیت‌های جدیدی که مرتباً با آنها روبرو می‌شوند آماده کرد. از این رو می‌توان گفت که سایر هدف‌های آموزشی مدارس پیش‌نیازهایی هستند که به منظور آماده کردن یادگیرندگان برای کسب مهارت‌های حل مسأله و خلاقیت به آنها آموزش داده می‌شود. یکی از این اهداف،

1. educational psychology review

آموزش مهارت‌های زندگی¹ است، که منظور از آن مهارت‌های شخصی و اجتماعی است که کودکان نوجوانان باید آن را یاد بگیرند تا بتوانند در مورد خود و انسان‌های دیگر و کل اجتماع به طور مؤثر و شایسته و مطمئن عمل کنند (رضایی و همکاران، 1387). به بیان دیگر، مهارت‌های زندگی مجموعه‌ای از توانایی‌ها است که زمینه سازگاری و رفتار مثبت و مفید را فراهم می‌سازد.

اهمیت و ضرورت آموزش مهارت‌های زندگی زمانی مشخص می‌شود که بدانیم این آموزش موجب ارتقای توانایی‌های روانی-اجتماعی می‌گردد و فرد را برای برخورد مؤثر با کشمکش‌ها و موقعیت‌های زندگی یاری می‌بخشد و به او کمک می‌کند تا با سایر انسان‌های جامعه، فرهنگ و محیط خود، مثبت و سازگارانه عمل کند و سلامت روانی خود را تأمین نماید. بدین ترتیب، تمرین مهارت‌های زندگی موجب تقویت یا تغییر نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتار انسان می‌گردد (ناصری، 1384) و در نتیجه، با پدید آمدن رفتارهای مثبت و سالم بسیاری از مشکلات بهداشتی قابل پیشگیری خواهند بود. بنابراین کمک به کودکان در رشد و گسترش مهارت‌های مورد نیاز برای زندگی مطلوب، ایجاد یا افزایش اعتماد به نفس در برخورد با مشکلات و همچنین کمک به آنان در رشد و تکامل عواطف و مهارت‌های اجتماعی لازم جهت سازگاری موفق با محیط اجتماعی و زندگی مؤثر و سازنده ضروری به نظر می‌رسد (شعاری نژاد، 1371).

پژوهش‌های بسیاری که پس از اجرای برنامه آموزش مهارت‌های زندگی صورت گرفته است تأثیر این آموزش را بر ابعاد مختلف سازگاری و سلامت روانی نشان داده اند، برای نمونه پژوهش ویکتوریا و همکاران² (2009) که آموزش مهارت‌های زندگی را بر جلوگیری از سوء استفاده از مواد نشان داده اند. میدو و پارتز³ (2007) نشان داد آموزش حل مسأله اثر چشمگیری

1. life skills

2. Victoria, Karina & Rainer

3. Meadow and Parnes

در افزایش خلاقیت افراد تحت آموزش دارد. تاتل¹ (2006) در پژوهش خود نشان داد که آموزش مهارت های زندگی در بهبود توانایی برقراری ارتباط مثبت و همچنین انعطاف پذیری نوجوانان مؤثر است. در پژوهش پاتامای² (2006) مشخص شد که برنامه آموزشی در رابطه با خلاقیت به طور معناداری باعث ارتقاء خلاقیت و مؤلفه های شناختی آن در دانش آموزان شده است. همچنین بین مؤلفه های خلاقیت یعنی سیالی و ابتکار نیز رابطه معنادار مثبتی مشاهده شد. هاشمی و عباسی (1390) در پژوهش خود نشان دادند آموزش مهارت های زندگی بر کاهش کمرویی دانش آموزان مؤثر بوده است. پژوهش شریفی و داوری (1388) نیز نشان داد که آموزش خلاقیت در رشد و پرورش خلاقیت به دانش آموزان کمک می کند.

بنابر این هم به دلیل رسالت فراهم آوردن شرایط مناسب جهت رشد و شکوفایی همه جانبه و هم به علت مسئولیت ارتقاء شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه و استفاده بهینه از اندیشه های خلاق و از آنجا که خلاقیت و مهارت های زندگی، سازه هایی هستند که به ارتقاء کیفیت زندگی می پردازند، به شخصیت افراد شکل می دهند و در خدمت پرورش انسان سالم هستند، و کودکی و نوجوانی بهترین مرحله برای پرورش این استعدادها می باشند؛ در این پژوهش بر آن شدیم تا به بررسی تأثیر آموزش مهارت های زندگی بر افزایش خلاقیت کودکان بپردازیم.

روش پژوهش

طرح مورد استفاده در پژوهش حاضر که با هدف بررسی تأثیر آموزش مهارت های زندگی بر افزایش خلاقیت کودکان صورت گرفت طرح پیش آزمون- پس آزمون با گروه گواه بود که در دو بخش انجام شد. بخش اول با استفاده از روش توصیفی³ - تکاملی از نوع عرضی⁴ صورت گرفت. به این ترتیب که ابتدا برای مطالعه روند تحولی توانایی بالقوه تفکر

1. Tuttle, J

2. Ypatumai

3. Descriptive

4. cross section

خلاق در سه مقطع سنی 9، 10 و 11 سال¹، آزمودنی‌ها به صورت برشی و عرضی، انتخاب و با یکدیگر مقایسه شدند. در بخش دوم پژوهش، از طرح‌های تجربی واقعی از نوع گروهی با پیش‌آزمون و آزمون‌نهایی استفاده شد.

جامعه آماری را همه دانش‌آموزان کلاس سوم، چهارم و پنجم ابتدایی مشغول به تحصیل در مدارس عادی استان زنجان در سال تحصیلی 91-1390 تشکیل می‌دادند که 86 نفر از آنها در دو مرحله با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای و تصادفی ساده به عنوان نمونه انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند. به این شکل که در مرحله اول، با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای ابتدا سه منطقه و یک حریم شهری از استان زنجان انتخاب و سپس با مراجعه به هر یک از مناطق، فهرست کلیه مدارس ابتدایی تهیه گردید و از این فهرست، تعداد دو مدرسه ابتدایی، به طور تصادفی انتخاب گردید (در مجموع، 8 مدرسه). پس از آن با مراجعه به هر یک از مدارس، از هر مدرسه یک کلاس سوم، یک کلاس چهارم و یک کلاس پنجم به طور تصادفی انتخاب شدند. تعداد کل آزمودنی‌های این مرحله 588 نفر بود. در مرحله دوم، از میان چهار منطقه یاد شده، دو منطقه که کمترین تفاوت معنی‌دار را نسبت به یکدیگر داشتند به طور تصادفی به عنوان گروه آزمایش و کنترل انتخاب گردیدند. سپس گروه آزمایش (منطقه 3) به مدت 40 ساعت (هفته‌ای دو جلسه 45-60 دقیقه‌ای) تحت تأثیر متغیر مستقل (آموزش مهارت‌های زندگی) قرار گرفتند. پس از اتمام دوره آموزشی و همچنین 3 ماه پس از آن پس‌آزمون و آزمون پیگیری اجرا گردید. لازم به ذکر است که مدارس و کلاس‌های انتخاب شده در این مرحله نیز همان مدارس و کلاس‌های انتخاب شده در مرحله اول تحقیق بودند، زیرا که پیش‌آزمون، در مرحله اول، در خصوص آنها اجرا شد.

1. برابر با کلاس‌های سوم، چهارم و پنجم ابتدایی

در آموزش مهارت‌های زندگی انواع مختلفی از تکنیک‌ها مانند ایفای نقش، نمایش، کارگروهی، سخنرانی، پرسش و پاسخ، و ارائه تکالیف جهت تمرین در خانه و غیره به کار گرفته شد.

ابزار پژوهش

جهت بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر افزایش خلاقیت کودکان، از «آزمون تفکر خلاق تورنس»¹ (فرم الف) تصویری استفاده شد.

اشکال تصویری آزمون‌های تفکر خلاق تورنس نیازمند پاسخ‌هایی است که به طور عمده ماهیت ترسیمی یا تجسمی دارند و استفاده از آزمون‌های تصویری از سطح کودکان تا سطوح بالاتر از دبیرستان توصیه گردیده است. این آزمون از 3 مرحله تشکیل شده است:

فعالیت ترسیم اشکال و تصاویر: تکه کاغذی رنگی (نخمرغ شکل) به دانش آموز داده می‌شود و از وی خواسته می‌شود تصویری را خلق کند که با تصاویر دیگر متفاوت باشد و همچنین نام یا عنوانی برای آن پیدا کند.

فعالیت تکمیل تصاویر ناقص: از دانش آموز خواسته می‌شود که با اضافه کردن خطوطی به شکل‌های ناقص در دو صفحه، تصویر جالبی برای شکل خود خلق نماید که با اشکال دیگر متفاوت باشد و یک عنوان جالب برای آن انتخاب کند.

فعالیت ساخت اشکال و تصاویر با استفاده ترکیبی از اشکال هندسی: در صفحه، خطوط موازی کشیده شده است و از دانش آموز خواسته می‌شود علامت‌هایی را به این خطوط موازی اضافه کند و تصویر جدیدی را خلق کند و عنوانی را برای آن انتخاب کند. در راهنمای مجموعه آزمون‌های تورنس، رهنمودهای مفصلی برای نمره گذاری، همراه با مثال‌های متعدد، ارائه شده است. تورنس به این موضوع اشاره می‌کند که نمرات بالا، که از طریق آزمون «تفکر خلاق» به دست می‌آید بیانگر بالا بودن احتمال عملکرد خلاق در فرد می‌باشد.

1. Torrance creative thinking tests

در این پژوهش برای نمره گذاری پاسخ ها از دفترچه راهنمای آزمون خلاقیت تورنس استفاده گردید:

- اصالت: مطابق جدول برای هر فعالیت جداگانه نمره گذاری می شود.
- بسط: هر جزء (ایده) وابسته (مربوط) که به خود شکل محرک اصلی، به مرزهای آن یا فضای اطراف آن اضافه شده باشد، امتیاز داده می شود.
- انعطاف پذیری: به وسیله محاسبه تعداد مقوله های مختلفی که پاسخ در آن اتفاق افتاده است به دست می آید.
- سیالیت: به وسیله محاسبه تعداد اشکال کامل شده به دست می آید.

بر اساس نتایج پژوهش هایی که در دفترچه راهنمای این آزمون منتشر شده، ضریب پایایی این آزمون 80 تا 90 درصد برآورد شده است همچنین مطالعات انجام شده در خصوص پایایی فرم های همتا در فاصله زمانی کوتاه نشان داده است که ضریب حاصل معمولاً بین 0/70 و 0/90 متغیرند. روایی آزمون نیز توسط متخصصان مورد تأیید قرار گرفته است؛ که توانایی آزمودنی ها را در ویژگی های اصالت، بسط، انعطاف پذیر و سیالیت می سنجد (تورنس و بال، 1984؛ به نقل از قدرتی میرکوهی، 1388). بررسی ثبات درونی¹ آزمون نشان می دهد که دامنه ضرایب ثبات درونی آزمون تورنس از 0/14 تا 0/69 است (متوسط 0/41) در خصوص اعتبار پیش بین² و اعتبار ملاکی³ آزمون تورنس باید گفت که نمرات بدست آمده از دوره دبیرستان دانش آموزان 0/51 با پیشرفت های خلاق آنها در 12 سال بعد همبستگی داشت (تورنس، 1992).

در این پژوهش، برای محاسبه ضریب پایایی از آزمون - آزمون مجدد استفاده گردید. به این ترتیب که تعداد 114 نفر از آزمودنی ها، یک ماه پس از اجرای پیش آزمون، توسط همان آزمون، مورد ارزیابی دوباره قرار گرفتند و ضریب اعتبار این دو بار اندازه گیری برای هر سه کلاس، در 5 خرده مقیاس محاسبه گردید که نتایج به شرح زیر است:

1. internal consistency
2. predictive validity
3. criterion validity

جدول 1. جدول محاسبه ضریب اعتبار آزمون - آزمون مجدد

سیالی	مقاومت در برابر بندش	انتزاعی بودن	بسط	بدیع بودن	تعداد	خرده مقیاس کلاس
0/586	0/543	0/562	0/640	0/608	33	سوم
0/634	0/526	0/685	0/561	0/641	39	چهارم
0/663	0/539	0/572	0/655	0/663	42	پنجم

در پایان داده های به دست آمده با روش های آماری توصیفی و استنباطی و به کمک نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته های پژوهش

در پژوهش حاضر، پس از جمع آوری و استخراج داده ها، نتایج با استفاده از روش های آمار توصیفی (محاسبه میانگین، میانه، واریانس و انحراف استاندارد) و آمار استنباطی (آزمون های t مستقل و وابسته، تحلیل واریانس و آزمون تعقیبی «شفه» جهت مقایسه گروه ها) بررسی و تحلیل شد. نتایج نشان داد که آموزش مهارت های زندگی موجب افزایش خلاقیت کودکان شده است.

در این قسمت برخی نتایج حاصل به صورت جدول ارائه می گردد.

جدول 2. توزیع فراوانی آزمودنی های مرحله اول آزمایش به تفکیک سن، منطقه و کلاس

کل	کلاس			منطقه
	پنجم	چهارم	سوم	
	11 سال و 5 ماه تا 12 سال	10 سال و 5 ماه تا 11 سال و 5 ماه	9 سال و 5 ماه تا 10 سال و 5 ماه	دامنه سنی
151	58	48	45	1
131	47	45	39	2
167	36	80	51	4
139	46	48	45	3
588	187	221	180	جمع

همان طور که جدول 2 نشان می دهد، تعداد 588 نفر آزمودنی در کلاس‌های سوم، چهارم و پنجم ابتدایی از چهار منطقه آموزش و پرورش استان زنجان در مرحله اول پژوهش حاضر حضور داشتند.

جدول 3. مقایسه میانگین خلاقیت دانش آموزان کلاس سوم در چهار منطقه براساس نمره

سطح معناداری	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	منابع تغییر	خرده مقیاس
0/693	0/485	28/3	3	84/9	بین گروهی	سیالی
		58/3	176	8/10266	درون گروهی	
			179	10651	کل	
0/402	0/985	39/9	3	119/9	بین گروهی	بدیع بودن
		40/6	176	84/7155	درون گروهی	
			179	8/7275	کل	
0001/0	35/5	7/310	3	932	بین گروهی	انتزاعی بودن
		7/8	176	1538	درون گروهی	
			179	2/2470	کل	
419/0	948/0	1/67	3	5/201	بین گروهی	بسط
		8/70	176	12473	درون گروهی	
			179	3/12675	کل	
007/0	12/4	6/61	3	9/154	بین گروهی	مقاومت در برابر بندش
		9/14	176	9/2631	درون گروهی	
			179	2816/9	کل	
0/229	1/45	714	3	2143	بین گروهی	کل
		491	176	86475	درون گروهی	
			179	88619	کل	

همانطور که در جدول 3 دیده می شود، مناطق چهارگانه تنها در زمینه های «انتزاعی بودن» و «مقاومت در برابر بندش» دارای تفاوت معنادار هستند.

جدول 4. مقایسه چهار منطقه در خرده مقیاس های خلاقیت کلاس چهارم بر اساس نمره T

سطح معناداری	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	منابع تغییر	خرده مقیاس
0/181	63/1	100	3	300/2	بین گروهی	سیالی
		61	217	13250 /5	درون گروهی	
			220	13550/8	کل	
0/753	0/4	17/3	3	51/9	بین گروهی	بدیع بودن
		43/2	217	2/9394	درون گروهی	
			220	1/9446	کل	
0/0001	59/37	4/405	3	3/1216	بین گروهی	انتزاعی بودن
		10/7	217	1/2340	درون گروهی	
			220	5/3556	کل	
0/051	63/2	6/204	3	614	بین گروهی	بسط
		6/77	217	1/16839	درون گروهی	
			220	1/17453	کل	
0/0001	95/1	7/117	3	1/353	بین گروهی	مقاومت در برابر بندش
		8/11	217	2565	درون گروهی	
			220	2918	کل	
0/025	18/3	7/1216	3	3/3650	بین گروهی	کل
		382	217	92894	درون گروهی	
			220	86545	کل	

با توجه به اطلاعات موجود در جدول 4 متوجه می شویم که F محاسبه شده تنها در دو زمینه «انتزاعی بودن» و «مقاومت در برابر بندش» معنادار است.

جدول 5. مقایسه خرده مقیاس های خلاقیت پایه چهارم چهار منطقه با استفاده از آزمون شفه بر اساس نمره T

مقاومت در برابر بندش				انتزاعی بودن				خرده مقیاس منطقه	خرده مقیاس منطقه
3	4	2	1	3	4	2	1		
				+	+	+		1	
				+	+			2	
				-				4	
								3	
-	+	-						1	
-	+							2	
-								4	
								3	

جدول 5 نشان می‌دهد که دانش‌آموزان کلاس چهارم در منطقه 2 و 3، تنها در زمینه خرده مقیاس «انتزاعی بودن» دارای تفاوت معنادار هستند.

بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش، تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر افزایش خلاقیت کودکان دبستانی مورد بررسی قرار گرفت. که نتایج کلی به دست آمده نشان داده با آموزش مهارت‌های زندگی می‌توان خلاقیت کودکان دبستانی را افزایش داد.

نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر با پژوهش‌های ذیل همخوان و همسو است. میدو و پارانز (2007) نشان داد آموزش حل مسأله اثر چشمگیری در افزایش خلاقیت افراد تحت آموزش دارد. تاتل (2006) در پژوهش خود نشان داد که آموزش مهارت‌های زندگی در بهبود توانایی برقراری ارتباط مثبت و همچنین انعطاف‌پذیری نوجوانان مؤثر است. در پژوهش پاتامایی (2006) مشخص شد که برنامه آموزشی در رابطه با خلاقیت به طور معناداری باعث ارتقاء خلاقیت و مؤلفه‌های شناختی آن در دانش‌آموزان شده است. همچنین بین

مؤلفه‌های خلاقیت یعنی سیالی و ابتکار نیز رابطه معنادار مثبتی مشاهده شد. پژوهش اسمیت و همکاران¹ (2005) نشان دادند آموزش مهارت‌های زندگی اثر معنی‌داری بر توانایی‌های رهبری و مدیریت در جوانان دارد.

پژوهش شریفی و داوری (1388) نیز نشان داد که آموزش خلاقیت در رشد و پرورش خلاقیت به دانش‌آموزان کمک می‌کند. پژوهش خادمی (1387) که در پژوهش خود نشان داد بین خلاقیت و سازگاری روانی - خانوادگی - اجتماعی در دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد و در یکدیگر تأثیرات متقابل دارند. همچنین آموزش جنبه‌های خلاقیت، موجب افزایش سازگاری دانشجویان می‌شود.

به عبارت دیگر پژوهش حاضر نشان دهنده روند تحول مهارت‌های تفکر واگرا در کودکان دبستانی است و بیان می‌کند که تفکر واگرا از کلاس سوم به کلاس چهارم و از کلاس سوم به کلاس پنجم افزایش پیدا می‌کند. در این پژوهش، روند پیشرفت تفکر واگرا از کلاس چهارم به کلاس پنجم معنادار نبوده است؛ بدین معنی که احتمالاً نوعی ناپیوستگی در تحول تفکر واگرا از کلاس چهارم به کلاس پنجم مشاهده می‌گردد. بحث روند تحول خلاقیت کودکان دبستانی یک پدیده شناخته شده در پیشینه پژوهش می‌باشد که در بسیاری از کشورهای خارجی مورد مطالعه قرار گرفته است. با این وجود، این پدیده در کشور ما به خوبی شناخته نشده و توجه کمتری به آن گردیده است.

این واقعیت که یافته‌های تجربی به دست آمده از پژوهش حاضر، دقیقاً مطابق با یافته‌های تحقیقات خارجی نیست، اطلاعات مفید و معنی‌داری را در اختیار ما قرار می‌دهد. یکی از نکات قابل توجه این است که زمینه فرهنگی که نتایج پژوهش حاضر در آن بدست آمده است، متفاوت از زمینه‌های فرهنگی است که تحقیقات اولیه در آن انجام شده است. نتایج پژوهش حاضر دارای کاربردهای آموزشی و تحقیقاتی برای کسانی است که علاقه‌مند به تقویت توانایی تفکر خلاق در کودکان کم سن و سال و کودکان تیزهوش هستند.

1. Smith, T.A. & al

دومین یافته حاصل از تحقیق حاضر به اثرات برنامه آموزش مهارت های زندگی سازمان بهداشت جهانی بر روی افزایش عملکرد کودکان کلاس سوم، چهارم و پنجم در آزمون توانایی تفکر خلاق تورنس اشاره دارد. با توجه به اهمیتی که این برنامه اخیراً در تقویت بهداشت روانی و سلامت کودکان سراسر جهان (خصوصاً کودکان کشورهای در حال توسعه) پیدا کرده است، ارتباط مشاهده شده در پژوهش حاضر بین مهارت های تفکر واگرای خلاقیت و آموزش مهارت های زندگی بسیار قابل توجه است.

این یافته‌ها دارای کاربردهای تحقیقاتی و آموزشی مهمی هستند؛ اول این که موضوع قابل اصلاح و تغییر بودن توانایی‌های شناختی کودکان را مطرح می‌کند و در عین حال اهمیت مداخله‌های تربیتی دوره کودکی را نشان می‌دهد؛ دوم این که شواهدی را در خصوص ارتباط متقابل بین فرایندهای شناختی، نگرشی و هیجانی با عملکردهای شناختی نشان می‌دهد، که در تعیین عملکرد خلاق مؤثر هستند؛ و سوم این که فرصتی را فراهم می‌سازد که بتوانیم سازوکارهایی را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهیم که در تحول شناختی، هیجانی و اجتماعی کودکان نقش اساسی دارند و می‌توانند در ایجاد احساس صلاحیت و توانایی شناختی مؤثر باشند.

در پژوهش حاضر، اطلاعاتی به دست آمد که بیانگر روند تحول تفکر واگرا در کودکان کلاس سوم، چهارم و پنجم می‌باشد. افت کلاس چهارم، به گونه‌ای که توسط تورنس اشاره شده بود، در این تحقیق مشاهده نگردید. البته برای تبیین یافته‌های این پژوهش نیز به شواهد تجربی، اشاره گردیده است.

اثرات آموزش مهارت های زندگی در افزایش توانایی بالقوه تفکر واگرا در کودکان یکی از مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش است. با توجه به این که این برنامه در سراسر دنیا اجرا می‌شود، تبیین‌های گوناگون برای این تأثیر ارائه شده است که بیان‌کننده اثرات تسهیل‌کننده برنامه آموزش مهارت‌های زندگی بر خلاقیت می‌باشد. این تبیین‌ها عبارت‌اند از توانایی‌های هیجانی خلاق و توانایی‌های شناختی خلاق، سبک‌ها، تمایلات، نگرش‌ها و عادات.

منابع

- تورنس، پل. آزمون تفکر خلاق تورنس: دستورالعمل اجرا و راهنمای نمره گذاری. ترجمه محسن احمدی. (1388). تهران: روانسنجی.
- خادمی، علی (1387). رابطه جنبه‌های خلاقیت با سازگاری روانی - خانوادگی - اجتماعی در دانشجویان. چکیده مقالات علمی برتر دومین جشنواره ملی بهار/ نوآوری و آموزش. تهران: جهاد دانشگاهی واحد علوم پزشکی.
- سلیمانیان، ح. (1388). خلاقیت و راه‌های پرورش آن. مجتمع آموزشی غیرانتفاعی نور.
- سلیمانی، افشین (1381). کلاس خلاقیت. تهران: انجمن اولیاء و مربیان.
- سیف، علی اکبر (1386). روانشناسی پرورشی نوین / روانشناسی یادگیری و آموزش. تهران: دوران.
- شریفی، علی اکبر، و داوری، رقیه (1388). مقایسه سه روش پرورش خلاقیت در افزایش خلاقیت دانش آموزان پایه دوم راهنمایی. روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، دوره 15، شماره 1، صص 57-62.
- شکرکن، حسین؛ برومند نسب، مسعود؛ نجاریان، بهمن؛ و شهنی بیلاق، منیژه. (1381). بررسی رابطه ساده و چندگانه خلاقیت، انگیزه پیشرفت و عزت نفس با کارآفرینی در دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز. علوم تربیتی و روانشناسی. شماره 3 و 4، صص 1-24.
- شعاری نژاد، علی اکبر (1371). نقش فعالیت های فوق برنامه در تربیت نوجوانان. تهران: موسسه اطلاعات.
- شهرآرای، مهرناز (1374). الگوی تعاملی رفتار خلاق. پژوهش های تربیتی دانشگاه تربیت معلم، جلد سوم، شماره 3 و 4، صص 89-107.
- رضایی، الهام؛ ملک پور، مختار؛ عریضی، حمیدرضا (1387). بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر میزان استرس و شیوه های مقابله با استرس نوجوانان مراکز شبه خانواده. دانشور رفتار، 16 (34)، صص 21-28.
- غلامی توران پستی، مرضیه، و کریم زاده، صمد (1390). تأثیر بازی های رایانه ای بر خلاقیت و رابطه آن با سازگاری روانی دانش آموزان. اندیشه های تازه در علوم تربیتی، 7 (1)، صص 55-68.

- قدرتی میرکوهی، مهدی؛ افروز، غلامعلی؛ شریفی، حسن پاشا؛ اژه ای، جواد. (1388). بررسی رابطه محیط آموزشگاهی و هوش با خلاقیت دانش آموزان دختر و پسر تیزهوش. رهبری و مدیریت آموزشی، 3(1)، صص. 113-128.
- ناصری، حسین (1384). راهنمای برنامه آموزش مهارت های زندگی. تهران: معاونت امور فرهنگی و پیشگیری سازمان بهزیستی کشور.
- میرزا آقایی، حمید (1387). فرهنگ سازی برای پرورش کودک خلاق. مجموعه مقالات اولین کنفرانس ملی خلاقیت شناسی و نوآوری ایران. 14 تا 15 آبان ماه 1387، بازیابی شده از <http://www.fekreno.org/articlefekreno/arfek310.htm>
- هاشمی، سید احمد، و عباسی، ابوالفضل (1390). تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر افزایش امنیت روانی (کاهش کمرویی) دانش آموزان دوره ابتدایی شهرستان لامرد. بازیابی شده در 91/3/15، از <http://www.dr-hashemi.com/index.php?newsid=214>

- Guilford, J.P. (1987). Creativity research: Past, present and future. In S. Isaksen (Ed.), *Frontiers of creativity research*. Buffalo, N.Y.: Bearly Ltd.
- Adams, R., Bessant, J. and Phelps, R (2006) Innovation Management Measurement: A Review. *International Journal of Management Reviews*, 8, pp. 21-47.
- Meadow, A. & parnes, S. (2007). *Evaluation of Training in creative problem solving*. USA: U of Buffalo.
- Saville, Gregory. (2006). Emotional intelligence in policing. *Police chief magazine* vol 74(11), pp. 38-41
- Smith, T.A., Genry, L.S., & Ketring, S. A. (2005). Evaluating a youth leadership life skills development program. *Journal of Extension*, 43(2), Article 2RIB3. Available at: <http://www.joe.org/joe/2005april/rb3.php>
- Torrance. E. P. (1998). An interview with E. Paul Torrance: About creativity. *Journal Educational Psychology Review*, 10, pp. 441-452.
- Torrance. E. P. (1992). *Torrance test of creative thinking, streamlined scoring guide (Figural A and B)*. USA: Scholastic Testing.
- Tuttle, J. (2006). Adolescent life skills training for highrisk teens: results of group intervention study. *Journal of Pediatric Health Care*, 20, pp. 184-191.
- Victoria, W., Karina, W, Rainer, K.S. (2009). The life skills program IPSY: Positive influences on school binding and prevention of substance misuse. *Journal of Adolescence*, 32(6), pp. 1391-1401.
- Ypatumai, K. (2006). *Characteristics of Creativity charge in students*. Vilniaus university.